

بیع عینه و ارتباط آن با حق حبس در فقه و حقوق

علی پورصادق کردی^۱

* نوع مقاله: پژوهشی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۱ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۳

کد مقاله: JHVMN-2404-1206

چکیده

بیع عینه بیعی است که فروشنده کالایی را به صورت نسیه و مدت دار به فردی می فروشد، مجدداً با بایع همان کالاء را از مشتری به صورت نقد، به قیمت کمتر یا بیشتر خریداری می کند. بیع عینه یکی از انواع بیع در فقه محسوب می شود، این نوع از خرید و فروش، در زمان های گذشته و در میان ملل قدیم، برای فرار از ربا بوده و در میان مردم رواج داشته. از طرفی حق حبس در عقود معاوضی محض مانند بیع، هریک از طرفین عقد می توانند، از تسلیم و تسلیم عوض خود به طرف دیگر عقد، امتناع کنند، تا اینکه طرف مقابل حاضر به تسلیم عوض خود گردد. باتوجه به تعریف بیع عینه و حق حبس، سوال اصلی در این مقاله این است، آیا در بیع عینه، برای هریک از طرفین عقد، حق حبس وجود دارد؟ در پاسخ به سوال مذکور، لازم است، ماهیت بیع عینه، شرایط و ادله شرعی آن و ماهیت حق حبس، مبانی و شرایط اجرای آن و نیز نظرات فقهاء در زمینه اجرای حق حبس در متون فقهی بررسی گردد، در آخر نظر مختار و نتیجه گیری بیان می شود. به نظر می رسد اعمال حق حبس در بیع عینه، در بیع اول که بین با بایع و مشتری، مبیع به صورت نسیه و مدت دار فروخته می شود، حق حبس برای طرفین عقد در بیع عینه وجود ندارد، ولی در بیع دوم که عوضین به صورت نقدی بین متعاقدين منعقد می شود، برای هر یک از طرفین عقد در بیع عینه به دلیل حال بودن عوضین، حق حبس قابل اجراء است.

واژگان کلیدی: بیع عینه، حق حبس، با بایع، نقدی بودن، نسیه.

^۱ عضو هیأت علمی تمام وقت گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیریز فارس. (نویسنده مسئول)



مقدمه

بیع عینه در فقه به این معناست: بایع مبیع را به مشتری به صورت نسیئه می فروشد، پس از بیع اول، بایع مجددا همان مبیع را از خریدار به صورت نقدی، خریداری می کند. در اجرای بیع عینه از لحاظ فقهی شرایط خاص لازم است، از جمله: مبیع عین خارجی و حالت کلی فی الذمه نباشد، بایع مبیع را به بیع نسیئه بفروشد، بایع در بیع اول ثمن را قبض نمی کند و اینکه بیع اول و دوم بین طرفین شرط نشده است، اما حق حبس در عقود معاوضی محض مانند: بیع، اجاره و غیره اعمال می شود، هریک از طرفین عقد می توانند، از تسلیم و تسلیم عوض خود به طرف دیگر عقد امتناع کنند، تا اینکه طرف مقابل، عوض خود را به او تسلیم کند، طرف دیگر می تواند، به حق حبس استناد کند.

بنابراین بحث مقاله در خصوص ماهیت بیع عینه و حق حبس و شرایط اجرای آن در فقه و حقوق است.

حال سوال اصلی در این مقاله، آیا در بیع عینه برای هریک از طرفین عقد بیع، حق حبس وجود دارد؟

در پاسخ به سوال لازم است، ماهیت بیع عینه، شرایط و ادله شرعی آن، ماهیت حق حبس، مبنای، و شرایط اجرای آن، نظرات فقهاء به عنوان موافقین حق حبس، مخالفین آن و ارتباط آن با حق حبس، در آخر نظر مختار و نتیجه گیری مقاله ذکر می شود.

۱- ماهیت بیع عینه، شرایط و ادله شرعی آن

۱-۱- ماهیت بیع عینه

عینه از عین در لغت، معین، مشخص، محرز، قابل لمس است. (طریحی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۸۴). اما بیع عینه در اصطلاح فقه: خرید کالاء به صورت نسیئه و فروش مجدد آن به صورت نقدی، ولی به بهای کمتر آن گفته می شود و عینه از عین به معنای مال موجود و حاضر است. (شیخ طوسی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۰۹). به عبارت دیگر عینه، آنچه بایع آن را مدت دار فروخته است، دوباره همان مبیع را از مشتری نقد می خرد، ممکن است ثمن آن کمتر یا بیشتر باشد. اذا اشترط تاخیر الثمن الی اجل، ثم ابتاعه البائع قبل حلول الاجل، جاز، بزیاده کان اوبنقصان، حالا اوموجلا، اذا لم یکن شرط ذلك فی حاله بیعه. (محقق طباطبائی، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۱۳۴). عینه از عین به معنی نقد و حال مشتق شده است، بیع عینه: کسی از دیگری جنسی را نسیئه بخرد و به او



بدهکار شود، سپس آن جنس را نقد به خود بایع بفروشد، و بدهی خود را بپردازد. (شهید ثانی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۲۴). یصح ان یبتاع البائع ماباعه من المشتري نسیئه قبل الاجل بزیاده من الثمن الذی باعه وبه ونقصان بجنس الثمن وغیره حالا وموجلا بلا خلاف فتوی و نصوص و عمومات الادله. (نجفی اصفهانی، ۱۳۶۵، ج ۲۳، ص ۱۰۹).

طلبکار برای وصول طلب خود از فردی که توان پرداخت بدهی خویش را ندارد، کالاء معین را نسیئه به او می‌فروشد؛ سپس همان کالاء را به بهایی کمتر و نقد از اومی خرد تا بدهکار بتواند با پول دریافتی از طلبکار، طلب قبلی او را بپردازد. (لنگرودی، ۱۳۹۴، ص ۹۸۲).

۱-۲- شرایط اجرای بیع عینه

در اجرای بیع عینه شرایط زیر لازم است، عبارتند از:

اولاً: مبیع عین خارجی معین باشد، کلی فی الذمه نباشد.

از جمله شرایط تحقق بیع عینه، در زمان انعقاد بیع، مبیع بین طرفین خارجی معین باشد. اگر در زمان وقوع بیع عینه، مبیع حالت کلی فی الذمه باشد که عنوان بیع سلم است، در این نوع از بیع، بایع تعهد می‌کند، مبیع را در زمان خاص به خریدار تسلیم کند و تسلیم مبیع نوعی تعهد بر ذمه بایع است. در بیع سلم علاوه بر شرایط صحت بیع، شرایط دیگری در تحقق بیع سلم رعایت گردد. از جمله در بیع سلم مبیع باید از لحاظ جنس، نوع، وصف و مقدار برای طرفین عقد معین باشد، کالاء در زمان تسلیم به مشتری به وفور و فراوانی یافت شود و خریدار مکلف است، بخشی از ثمن یا تمام ثمن را به بایع نقداً تسلیم کند، قبض ثمن در بیع سلم، شرط صحت عقد مذکور می‌باشد. اگر بیع سلم بین طرفین منعقد گردد، ولی ثمن تادیه نشده باشد، بیع سلم باطل است. (موسوی الخمینی، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۳۷۵).

سوالی که مطرح می‌شود اینک، آیا در بیع سلم حق حبس وجود دارد؟

برای پاسخ به سوال مذکور، در تحقق شرایط حق حبس در عقود معاوضی محض مانند بیع، هر یک از طرفین عقد می‌توانند از تسلیم و تسلیم عوضین، نسبت به یکدیگر امتناع کنند، اجرای حق حبس در صورتی که عوضین در عقود معاوضی محض، حال نقدی باشد، و از سوی دیگر در شرایط حق حبس، یکی از طرفین عقد بامیل و اراده خود، عوض خود را به طرف دیگر عقد، تسلیم نکرده باشد، طرف دیگر عقد می‌تواند از حق حبس استفاده کند. در بیع سلم، مبیع کلی و در ذمه بایع است و در زمان خاص



آن را به خریدار تسلیم کند. آنچه در این نوع از بیع مشخص می شود، یکی از عوضین به صورت موجد است و حال نیست. بنابراین شرط مهم اجرای حق حبس حال و نقد بودن عوضین است، در بیع سلم، تسلیم مبیع موجد و موکول به زمان آینده است. در نتیجه بیع سلم گرچه از موارد انواع بیع و بر ذمه بایع است که مبیع را در زمان خاص به مشتری تسلیم کند، در این صورت برای طرفین عقد در بیع سلم به دلیل موجد بودن یکی از عوضین، حق حبس اجراء نمی شود.

بنابراین در بیع عینه مبیع باید عین خارجی و قابل لمس و درک باشد، ولی در مبیعی که حالت کلی فی الذمه و در غالب بیع سلم است و تحقق آن موکول به آینده می شود، بیع عینه منعقد نمی شود.

ثانیا: بایع در بیع اول مبیع را به نسیئه بفروشد.

در فقه بیع به اعتبار موعود تسلیم مبیع و تادیه ثمن به چهار قسمت تقسیم می شود.

- بیع نقد: عوضین در محل وقوع عقد بین طرفین قبض و اقباض می شود.

- بیع کالی به کالی: عوضین در محل وقوع عقد بین طرفین تسلیم و تسلیم نمی شود و حالت دین به دین است.

- بیع سلم: فروش مبیع به صورت کلی فی الذمه و بر عهده بایع است، در زمان مقرر به خریدار تسلیم نماید، ولی ثمن آن نقدی است.

- بیع نسیئه: در محل عقد، مبیع نقدی و حال به مشتری تسلیم می شود، ولی ثمن آن مدت دار است. (امامی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۲۷).

حال آنچه در اجرای بیع عینه ملاک قرار می گیرد، بیع اول حالت نسیئه است، اما در بیع دوم بین طرفین به صورت نقدی منعقد می شود. اگر هر دو بیع بین طرفین موجد باشد، در این صورت بیع عینه نیست و عقد بیع باطل است.

ثالثا: بایع ثمن را قبض نمی کند.

همانطوری که بیان شده، در بیع عینه بایع در بیع اول، مبیع را به مشتری فروخته، ولی بایع در برابر فروش کالا، ثمنی دریافت نمی کند. طبق ماده ۳۶۲ قانون مدنی به محض وقوع عقد بیع مالکیت



عوضین برای طرفین ایجاد می شود، این موضوع در صورتی است، تسلیم مبیع و تادیه ثمن طبق قاعده المبیع یملک بالبیع حاصل می گردد، ولی اگر در زمان وقوع عقد بیع، ثمن به بایع تادیه نشود، بیع منعقد نمی شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۲۳۷).

بنابراین در بیع عینه به دنبال بیع اول که از جانب مشتری ثمن به بایع تادیه نمی شود، مجدداً در بیع دوم ثمن به کمتر و حالت نقدی، به بایع پرداخت می شود، در این صورت بیع عینه منعقد می گردد و صحیح است.

رابعاً: بایع مجدداً مبیع را نقد خریداری می کند.

از جمله شرایط تحقق بیع عینه، پس از وقوع بیع اول، بایع مجدداً مبیع را به صورت نقد خریداری می کند. در حقیقت در بیع عینه دو عنوان عقد بیع، بین طرفین منعقد می شود و تفاوت در دو عنوان بیع می باشد، در بیع اول به صورت نسبیته است، ولی در بیع دوم حالت نقدی واقع می شود. اگر بیع در حالت اول نقدی و در حالت دوم نسبیته باشد یا هر دو نقدی، یا هر دو نسبیته باشد، در این صورت بیع عینه منعقد نمی شود. بنابراین در صورتی بیع عینه صحیح است، بیع اول نسبیته و بیع دوم نقد بین طرفین عقد منعقد گردد.

خامساً: بیع اول و دوم بین طرفین شرط نشده است.

اگر در انعقاد بیع عینه در ضمن آن، بایع به مشتری شرط کند، مبیع را فقط به او بفروشد و مبلغی کم شود و از آن سود ببرد یا اینکه بین طرفین شرط شود که بعد بیع اول، مجدداً مبیع به بایع فروخته شود و حالت دور منعقد گردد، در این حالت بیع عینه از اصل باطل است. دلیل بر این مساله نوعی استخلاص و رهایی از ربا است. (موسوی الخمینی، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۵۶۷).

۱-۳- ادله شرعی آن

ادله شرعی بیع عینه، برخی از آیات قرآن و روایات خاص در این زمینه است، عبارتند از:

الف) آیات قرآن

برخی از آیات قرآن در مورد بیع عینه دلالت می کند، عبارتند از:



از جمله در سوره بقره آیه ۲۷۵ خداوند متعال فرموده است: احل الله البيع وحرم الربا. (فاضل مقداد، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۷۰).

ترجمه: خداوند متعال عقد بیع را حلال نموده و ربا را حرام است. این آیه قرآن به طور صراحت می کند، وقوع بیع و انواع آن از جمله بیع عینه است و براساس رضایت طرفین، بیع عینه منعقد می شود و صحیح است.

(ب) روایات

برخی از روایات خاص در زمینه انعقاد بیع عینه است. از جمله آن، روایت اول: عن عبدالله بن الحسن، عن جده علی بن جعفر، عن اخیه موسی بن جعفر (ع) قال: سألته عن رجل باع ثوبا بعشره دراهم، ثم اشتراه بخمسه دراهم، ایحل؟ قال: اذا لم یشرط ورضیا فلا بأس. (شیخ حرعاملی، ۱۴۰۶، ج ۱۸، ص ۴۰).

ترجمه: علی بن جعفر (ع) می گوید: از برادرم موسی (ع) پرسیدم؟ مردی لباسی رابه ده درهم فروخت، سپس همان را به پنج درهم خرید، آیا این نوع از خرید و فروش صحیح است یا نه؟ امام فرمود: اگر در ضمن معامله اول شرط نکرده اند، و دوطرف راضی داشته باشند، اشکالی ندارد.

روایت دوم: عن بشار بن یسار قال: سألت ابا عبدالله (ع) عن الرجل یبیع المتاع بنسیئه فیشریه من صاحبه الذی یبیه منه؟ قال: نعم لا بأس به، فقلت له: اشتري متاعی، فقال: لیس هومتاعک ولا بقرک ولا غنمک. (شیخ حرعاملی، ۱۴۰۶، ج ۱۸، ص ۴۱).

ترجمه: روایت صحیح بشار می گوید: از امام صادق (ع) مردی رسوال کردم مالی رانسیئه فروخته سپس آن را دوباره از خریدارش می خرد. آیا این صحیح است یا نه؟ امام فرمود: آری اشکالی ندارد. راوی می گوید من چیزی را که فروخته بودم مال خودم را دوباره پول بدهم بخرم؟ امام فرمود: پس از آن که آن را فروختی دیگر آن مال، مال تو یا گاو تو یا گوسفند تو نیست.

روایت سوم: عن الحسين بن المنذر قال: قلت لابی عبدالله (ع): یجیئنی الرجل فیطلب العینه فاشتری له المتاع مرابحه ثم ابیعه اياه، ثم اشتریه منه مکانی قال: اذا كان بالخیار ان شاء باع، وان شاء لم یبع، وکنت انت بالخیار، ان شئت اشتریت، وان شئت لم تشتت فلا بأس، فقلت: ان اهل المسجد یزعمون ان هذا فاسد، ویقولون: ان جاء به بعد اشهر صلح قال: انما هذا تقدیم و تاخیر فلا بأس. (شیخ حرعاملی، ۱۴۰۶، ج ۱۸، ص ۴۵).



ترجمه: روایت حسین بن منذر می گوید: خدمت امام صادق (ع) عرض کردم: کسی می آید و از من عینہ یعنی متاعی را می خواهد، آن متاع را برای او خریدم و سپس به او فروختم و آن متاع را از او دوباره خریدم؟ امام فرمود: اگر فروشنده اختیار داشت، اگر خواست بفروشد، اگر نخواست نمی فروشد، تو اگر اختیار داشتی خواستی می خری،

اگر نخواستی نمی خری، در این صورت اشکال ندارد. اهل مسجد گمان کردند، این بیع باطل است، می گوید: اگر بعد از چند ماه این کار را بکنند خوب است، امام فرمود: این تقدم و تاخر در بیع اشکالی ندارد، بیع صحیح است.

۲- ماهیت حق حبس، مبانی و شرایط اجرای آن

۲-۱- ماهیت حق حبس

قبل از تبیین ماهیت حق حبس، لازم است درباره مفهوم واژه حق و حبس توضیح داده شود، حق حبس ترکیب اضافی از حق و حبس است. حق در لغت، به معنی ثبوت، استقرار، جازم، مال، ملک، اقتدار و سلطنت و سیطره است، اهل لغت آن را ضد باطل معنا کرده اند. (ابن منظور، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۴۷). اما حق در اصطلاح، نوعی سلطه و اقتدار، با مرتبه ضعیف تراز ملکیت است و قانون آن را به فرد یا افرادی می دهد تا در پرتوی آن در موارد خاصی به کار گیرند و از آن استفاده کنند. (گرچی، ۱۳۷۸، ص ۲۳). به تعبیر دیگر، حق، قدرتی که از طرف قانون به شخصی داده می شود حق نامیده می شود، حق در این معنا ضمانت اجراء دارد و آن را حقوق موضوعه می گویند، حق توانایی آن را دارد، قابل نقل و انتقال و قابل اسقاط باشد. (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۳۲۵). اما حبس در لغت، منع کردن، امساک، بازداشتن، اجتناب کردن، مانع، جلوگیری و ضد رها کردن است. (طریحی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۲۸۵). حبس در اصطلاح فقهی به دو معنا بکار رفته است، معنای اول، حق انتفاع در معنای عام، شامل عمری، رقبی، سکنی است و حق انتفاع در معنای خاص شامل وقف است. معنای دوم حبس در بخش احکام جزایی و یکی از روش های مجازات برای مجرمین به کار رفته است. (اندرز، ۱۳۹۴، ص ۲۹). حال با توجه به تبیین معنای حق و حبس، اکنون ماهیت حق حبس در اصطلاح، توانایی هریک از طرفین عقد معاوضی نسبت به خودداری از انجام الزامات ناشی از عقد، مادامی که طرف مقابل از انجام الزام خود در قبال آن امتناع کند. به تعبیر دیگر، هریک از دو طرف عقود معاوضی می تواند، اجرای تعهد خود را منوط به تسلیم عوض دیگری کند. (لنگرودی، ۱۳۹۲، ص ۳۲۵). حق حبس به طور صراحت در ماده ۳۷۷ قانون مدنی، هریک از بایع و مشتری می تواند مال مورد تعهد را تحویل ندهد، تا زمانی که طرف دیگر عقد عوض خود را تسلیم نماید. (امامی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۸۵).



۲-۲- مبانی حق حبس

حق حبس در عقود معاوضی محض مانند بیع، هریک از طرفین عقد می توانند، از تسلیم عوض خود به طرف دیگر عقدا امتناع کنند، تا اینکه طرف مقابل عقد، عوض خود را به او تسلیم نماید.

سوالی که مطرح می شود اینکه، حق حبس بر چه مبنا، پایه فقهی و حقوقی استوار است و هریک از طرفین عقد چنین حقی برای آن ها ایجاد می شود؟

در پاسخ به سوال مطرح شده، مهمترین مبانی حق حبس عبارتند از:

الف) عدالت و انصاف

مبانی حق حبس در عقود معاوضی محض مانند بیع، بر پایه عدالت و انصاف است، بر این اساس عدالت و انصاف اقتضاء می کند، نباید به یکی از طرفین عقدا اجازه داده شود، انجام تعهد طرف مقابل را درخواست کند، بدون اینکه خود برای انجام تعهدی که از همان عقد برای او حاصل شده است، حاضر شود. از سوی دیگر عدالت معاوضی ایجاب می کند، دو تعهد متقابل در یک زمان و در آن واحد اجراء شود، هیچ گونه تبعیضی در میان آنها نباشد. همچنین ممکن است، یکی از طرفین اقدام به تسلیم عوض کند، بدون اینکه طرف مقابل عوض را تحویل دهد، در این صورت ممکن است، طرف مقابل، عوض خود را تسلیم نکند، به دلیل اعسار و تلف قهری موضوع قراردادی تعدی، تفریط و عوامل دیگر، نتواند وفای به عهد کند، در نتیجه برای طرف مقابل موجب ظلم و ستم خواهد بود و حق او تباہ می شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۲۳۷).

ب) بنای متعاقبین و شرط ضمنی

مبانی حق حبس را اراده و قصد شرط ضمنی طرفین عقد معاوضی محض مانند بیع، اجاره و غیره می دانند، علت این امر مبتنی بر تقابض طرفین عقد بر اساس قصد و اراده طرفین عقد است و هر دو باید در مقابل یکدیگر تعهدات خود را طبق عقدا اجراء نمایند و در صورت امتناع یکی از طرفین عقد، طرف مقابل می تواند از تسلیم عوض خود امتناع کند. این موضوع در نتیجه اطلاق عقد و موجب نبودن هریک از عوضین و اجرای موضوع تعهدات است، به تعبیر ساده تر حق حبس در عقود معاوضی محض، مانند بیع نوعی دفاع متقابل هریک از طرفین عقد در برابر یکدیگر تلقی می شود. (شیخ انصاری، ۱۴۲۱، ج ۱۱، ص ۲۱۸).



ج) تقابض و همبستگی بین تعهدات قراردادی

مبانی حق حبس را مبتنی بر رابطه بین دو تعهد یا همبستگی ارادی آن دو و به عبارت دیگر، مبتنی بر همبستگی بین دو مورد عقد ناشی از قصد معاوضه متعاملین دانسته اند و هر یک از طرفین عقد تملیک و تعهد در برابر تملیک و تعهد طرف دیگر برعهده می‌گیرد. به تعبیر دیگر، در عقود معاوضی محض مانند بیع، عوض و معوض به گونه‌ای به هم مرتبط و متصل هستند که دارای احکام یکسانی هستند و از یکدیگر جدا نیستند. همان طوری که ملکیت عوضین هم زمان و در زمان واحد به طرفین عقد منتقل می‌شود، تسلیم آن‌ها نیز باید هم زمان صورت گیرد و نتیجه معاوضی بودن و همبستگی بین عوضین آن است، هر یک از دو طرف معاوضه می‌تواند اجرای تعهد خود را منوط به اجرای تعهد طرف دیگر عقد نماید، به طوری که دو تعهد و دو اجراء و عوضین به هم متصل شده‌اند. آنچه در مباحث فقه در این خصوص مطرح شده، مبانی همبستگی تعهدات با عنوان تقابض مورد بررسی قرار گرفته است و منظور از آن، اقباض هر یک از مورد عقد، به وسیله هر یک از دو طرف و قبض طرف دیگر و هر کدام از طرفین ملزم به تسلیم عین به صورت هم زمان با تسلیم طرف دیگر عقد می‌باشد. نجفی اصفهانی، ۱۳۶۵، ج ۲۳، ص ۱۴۶).

د) بنای عقلی یا ارتکاز عقلایی

برخی از فقهاء، مبانی حق حبس را بنای عقلی یا ارتکاز عقلایی می‌دانند، معتقدند: حق امتناع مانند حق مطالبه و سایر احکام بر عقود معاوضی محض مانند بیع، اجاره و غیره، نظیر وجوب تسلیم و انتقال مالکیت مبیع، ثمن و تساوی در حصول مالکیت برای طرفین عقد از احکام عقلی محض هستند که بر معاوضه و بیع مترتب می‌شوند و عقل هیچ گونه اولویتی در تسلیم برای هیچ یک از متعاملین نمی‌شناسد، عقلاء تسلیم اموال به مالک جدید را مطلقاً امری ضروری می‌دانند و حبس مال غیر، مانند هر مورد دیگر بدون اذن مالک، حرام است. البته منوط به این که این حق قانونی نباشد، در حالی که حق حبس، در صورت امتناع یکی از طرفین عقد از تسلیم، برای دیگری ثابت شده و جایز است. بنابراین اجرای حق حبس، حکم عقلی و ارتکاز عقلایی محض محسوب می‌شود. (موسوی الخمینی، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۵۳۷).

ر) تقابل میان تعهدات

برخی از حقوقدانان، مبانی حق حبس را تقابل بین تعهدات طرفین عقد است معتقدند: آنجا که دو تعهد در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرد، به دلیل تساوی دو تعهد بر اساس عقود معاوضی محض، مانند بیع صورت



می گیرد و هیچ کدام از طرفین عقد بر دیگری رجحان و برتری ندارند. بنابراین یکی از طرفین عقد نمی تواند دیگری را ملزم به اجرای تعهد کند، بدون اینکه تعهد خود را در مقابل طرف دیگر عقد انجام دهد. (صفایی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۸).

به نظر می رسد، مهمترین مبانی حق حبس در عقود معاوضی محض مانند بیع، از میان همه موارد بیان شده آن، بنای عقلی و ارتکاز عقلایی است.

۲-۳- شرایط اجرای حق حبس

مکانیسم حفظ مالکیت در فقه و حقوق اسلامی عبارتند: حق حبس، خيار شرط، خيار افلاس، اجاره به شرط تملیک، شروط ضمن عقد، بیع خیاری، خيار شرط است. حال از جمله موارد مهم آن، حق حبس و شرایط اجرای فقهی آن است.

اولاً: انعقاد عقد بیع صحیح

حق حبس یکی از متفرعات بیع صحیح است، هرگاه بیع به عللی باطل باشد، حق حبس ایجاد نمی شود. از سوی دیگر هر بیعی نمی تواند شرط ضروری برای پیدایش حق حبس داشته باشد. زیرا بدون پیدایش دو التزام به تسلیم متقابل حق حبس جاری نمی شود، از آثار قانونی عقد بیع صحیح می باشد، برای اینکه دو التزام به تسلیم متقابل داشته باشیم، باید عقد بیعی عاری از هرگونه خدشه و شرطی میان دو تعهد التزام آور منعقد شده باشد، به طوری که در انعقاد آن کلیه شرایط عمومی در تحقق عقد راداشته باشد، مانند اهلیت، قصد و رضای طرفین، مشروعیت صحت معامله، معلوم و معین مورد معامله و شرایط اختصاصی عقد بیع کاملاً رعایت شده باشد، در غیر این صورت آثار حقوقی مورد انتظار از جمله، حق حبس بر آن مترتب نخواهد شد. (امامی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۴۴۶). بنابراین اگر عقد بیع به طور صحیح منعقد گردد، دو التزام به تسلیم و تسلیم ثمن و مضمن ایجاد می شود و منشاء هر دوی آن ها وقوع عقد بیع است و هر دو التزام متقابل و مربوط به هم می باشند. نتیجه درایقاعات محض مانند حیات، حق شفعه، اعراض و ابراء، همچنین در بیع فاسد، اثری بر آنها مترتب نمی شود، حق حبس و به دنبال آن شرایط و آثار فقهی بیع در این خصوص اجراء نمی شود.

ثانیاً: واجب التسلیم بودن تعهدات

برای پیدایش حق حبس، وجود دو التزام متقابل و واجب الاداء ضرورت دارد، تنها در این صورت است، از انجام دو تکلیف همزمان بدون تقدم یک طرف مکانیسم حفظ مالکیت بنام حق حبس محقق



نمی شود. (شیخ انصاری، ۱۴۲۱، ج ۱۱، ص ۶۷). حال در صورتی یکی از التزامات ناشی از بیع یا هردوی آنها به دلایلی واجب التسلیم نباشند، اساساً تکلیف از عهده و ذمه طرف دیگر عقد برداشته شده و تقابلی همزمانی بین دو التزام معنی پیدا نمی کند. در این صورت حق حبس برای هیچ یک از طرفین عقد معاوضی محض وجود ندارد. بنابراین در بیعی که یکی از عوضین براساس شرط ضمن عقد، تسلیم آن موکول به زمان آینده می شود و به صورت حال نیست و موجل می باشد، در این صورت حق حبس اجراء نمی شود.

ثالثاً: لزوم همزمانی تعهدات

بدون شک و تردید، همزمانی انجام التزامات ناشی از بیع یکی از شرایطی است که در ایجاد مقوله حق حبس در بیع ضرورت دارد. در واقع فکر حق حبس فکری است، جدا از همزمانی در تسلیم و عدم اولویت هر یک از طرفین در انجام التزامات خود، از این رو لازم است مواضعی را در آن هاهمزمانی در تسلیم به نحوی وجود ندارد مشخص گردد، مواردی که حق حبس در آن پدید می آید، مشخص می گردد. (لنگرودی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۷). بنابراین چنانچه تعهدات هر یک از طرفین عقد به صورت همزمانی نباشد و در دو زمان جدا در ضمن عقد شرط گردد، یا اینکه یکی از طرفین بارضایت و اراده، عوض خود را به طرف دیگر عقد تسلیم نماید، در این حالت حق حبس وجود ندارد.

رابعاً: حق حبس هنگام حلول اجل

هرگاه تسلیم مبیع بر ذمه بایع و به صورت مؤجل است و هنوز زمان آن فرا نرسیده، در این حالت به دلیل موجل بودن مبیع نه حال بودن آن، حق حبس اجراء نمی شود. (محقق طباطبایی، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۱۵۷). بنابراین یکی از شرایط مهم در اعمال حق حبس، حال بودن عوضین در عقود معاوضی محض، مانند بیع و اجاره است؛ چنانچه یکی از عوضین حال نباشد، حق حبس اجراء نمی شود.

خامساً: تعهدات بایع و مشتری مرکب از حال و مؤجل

در برخی از موارد در ضمن قرارداد، بخشی از ثمن حال و نقدی و بخش دیگر از ثمن موجل است یا بخشی از مبیع حال و قسمتی دیگر موجل است، مانند فروش اقساطی کالاء، براساس شرط طرفین عقد و در ضمن عقد مشخص می شود.



سؤال در این موضوع، آیا در چنین موردی برای هریک از بایع و مشتری حق حبس وجود دارد؟ در پاسخ به سوال مطرح شده: همزمانی در تسلیم نسبت به قسمت حال و نقدی از ثمن محقق می شود، بایع حق حبس مبیع را تا اخذ قسمت حال خواهد داشت و مشتری نیز می تواند تا قبض مبیع از پرداخت قسمت حال و نقدی از ثمن خودداری کند. بنابراین هر جزء از تعهد طرفین عقد بر اساس توافق آنها در مقابل جزء دیگر از تعهد قرار می گیرد، در این صورت حق حبس ایجاد می شود.

سادسا: اطلاق عقد بیع

منظور از اطلاق بیع، طرفین عقد درباره زمان اجرای تعهد و نحوه انجام آن در خصوص عوضین، هیچ گونه توافقی در مورد حال، نقدی یا موجد بودن عوضین یا در مورد قبض و اقباض آن در زمان و مکان خاص در ضمن قرارداد، بین آنها شرطی نمی کنند. فقهای مشهور، حق حبس را عموماً در ضمن عقد بیع، در باب احکام بیع نقد و نسبیّه و نیز در باب قبض و اقباض عوضین بحث نموده اند و تصریح کرده اند، اطلاق بیع اقتضاء می کند، معامله به صورت نقد است و بلافاصله پس از وقوع آن، عوضین بین طرفین عقد تسلیم و تسلّم گردد. زیرا ذات و مقتضای بیع انتقال فوری و مالکیت عوضین برای طرفین عقد می باشد، بر اساس قاعده فقهی، المبیع یملک بالعقد، مالک عوضین حاصل می شود. (نجفی اصفهانی، ۱۳۶۵، ج ۲۳، ص ۲۴۹). بنابراین هرگاه یکی از طرفین عقد، مبیع یا ثمن یا قبض و اقباض عوضین را به زمان یا مکان یا وقت دیگری موکول کنند، در اصطلاح تعلیق و موجد بودن عوضین می باشد، در این صورت بین طرفین عقد، حق حبس وجود ندارد.

سابعا: عدم ایفای تعهد یا عدم تسلیم یکی از طرفین عقد

یکی دیگر از شرایط اجرای حق حبس ایفای تعهد است. هرگاه یکی از طرفین عقد به تعهدات خود عمل نکرده باشد. بنابراین چنانچه هر دو طرف عقد بیع یا یکی از آن دو به تعهد خود عمل و ایفاء نمایند، در این صورت برای طرفی که به تعهد خود عمل نموده حق حبس وجود ندارد. (صفایی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۷). همچنین در صورتی که یکی از متبایعین از حق امتناع یا حبس خود استفاده ننماید و مبیع یا ثمن را به طرف دیگری بدهد، دیگری نمی تواند استرداد آن را بخواهد تا از حق حبس استفاده کند، زیرا با تسلیم مورد تعهد حق حبس ساقط می شود. بنابراین هرگاه یکی از طرفین عقد، مال مورد تعهد را به تصرف طرف دیگر عقد در آورد، در این صورت حق حبس او ساقط می شود و نمی تواند از حق حبس استفاده کند. (امامی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۴۴۸).

ثامنا: عوضین (مبیع و ثمن) حال باشد نه موجد



از جمله شرایط دیگر اجرای حق حبس، عوضین به صورت نقدی و حال باشد، و اطلاق عقد بیع بر نقدی بودن دلالت می‌کند. اما اگر یکی از عوضین نقدی و دیگری مدت دار باشد و طرفین در ضمن عقد بیع، آن را شرط نمایند، در این صورت حق حبس وجود ندارد. از سوی دیگر حق حبس برای طرفین معامله در صورتی اجراء می‌شود که موعد وزمانی برای تسلیم مبیع و تادیه ثمن مقرر نشده باشد، در غیر این صورت، هرگاه مبیع و ثمن موجل باشد، حق حبس جاری نمی‌شود. (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۴۸).

۳- نظرات فقهاء در مورد حق حبس

فقهاء در مورد حق حبس در عقود معاوضی محض مانند بیع، دیدگاه و نظرات متفاوتی بیان نموده‌اند:

دیدگاه اول: موافقین حق حبس

دیدگاه دوم: مخالفین حق حبس

هریک از دو دیدگاه مختصراً توضیح داده می‌شود:

دیدگاه اول: موافقین حق حبس

مشهور فقهای امامیه از جمله شیخ طوسی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۳۱۹ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۰۱ محقق حلی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۶۸ شهید ثانی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۵۷ محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۷۶ محقق طباطبائی، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۱۳۷ نجفی اصفهانی، ۱۳۶۵، ج ۲۳، ص ۱۴۶، شیخ انصاری، ۱۴۲۱، ج ۱۱، ص ۲۱۸ معتقدند در عقود معاوضی محض مانند بیع، هر یک از طرفین عقد می‌توانند از تسلیم و تسلیم عوضین به طرف مقابل عقد امتناع کنند و به حق حبس استناد کنند، ادله این گروه از فقهاء عبارتند:

الف) التزام در مقابل التزام

شهید ثانی موافق با حق حبس می‌باشد، معتقدند: بر اساس وقوع عقد بیع، هر یک از متعاملین حق مطالبه برد دیگری و تکلیف تسلیم به دیگری را پیدا می‌کند. بنابراین بر اساس این نظر در ضمن عقد بیع طرفین ملتزم به تسلیم در ازاء تسلیم طرف مقابل هستند، در نتیجه این امر حق مطالبه در برابر کسی که تسلیم نکند، به طرف دیگر می‌دهد، ولی ممتنع از انجام تعهد خودداری کرده است، حق مطالبه نخواهد داشت و دادن مال، صاحب آن نتواند آن را از طرف مقابل مطالبه کند، واجب



نیست. به تعبیر دیگر التزام به تسلیم در عقد معاوضی به دو التزام منحل می شود، یک التزام به تسلیم در زمان تسلیم طرف دیگر و دوم التزام به عدم تسلیم در صورت امتناع دیگری، در حقیقت این موضوع همان حق حبس در عقود معاوضی محض مانند بیع است. (شهید ثانی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۶۷).

(ب) تسلیم معاوضی در عقود معاوضی

از جمله موافقین حق حبس در عقود معاوضی محض مانند بیع، شیخ انصاری است و او در کتاب مکاسب محرمه به تسلیم و تسلیم عوضین در عقود معاوضی محض مانند بیع معتقد است و حق حبس در آن، نوعی دفاع متقابل هریک از طرفین عقد نسبت به طرف دیگر آن است. (شیخ انصاری، ۱۴۲۱، ج ۱۱، ص ۲۲۵).

التزام به تسلیم معاوضی در عقد بیع و طرف مقابل التزام به عدم تسلیم در صورت امتناع درست نیست، زیرا یک التزام بیش نیست و التزام به عدم تسلیم هنگام امتناع دیگری بخاطر آن است که التزام به تسلیم مطلق نیست، نه اینکه التزام به عدم تسلیم باشد. زیرا التزام به تسلیم معاوضی است، نه تسلیم مطلق در نتیجه امتناع یک طرف از تسلیم، طرف دیگر عقد نیز می تواند تسلیم نکند، به علت داشتن حق حبس نه اینکه اصلاً ملتزم به تسلیم نباشد، بلکه در این حالت اگر طرف دیگر اقدام کند او هم باید تسلیم نماید و آنچه ملازمه با تسلیم معاوضی دارد، در حقیقت همان عدم استحقاق هر یک از طرفین نسبت به تسلیم است. بنابراین مانعی در حبس مال طرفی که امتناع از تسلیم کرده و عدم رد مالی که با عقد او منتقل شده، نخواهد بود. (نجفی اصفهانی، ۱۳۶۵، ج ۲۳، ص ۱۵۲).

(ج) امر عقلی و ارتکاز عقلایی

از جمله موافقین حق حبس امام خمینی (ره) است و ایشان معتقدند: حق حبس در عقود معاوضی محض مانند بیع، امری عقلی و ارتکاز عقلایی است. بنابراین بر اساس نظر امام خمینی (ره) حق حبس مبنای عقلایی پیدا می کند و حق امتناع همانند سایر حقوق و احکام مترتبه بر بیع مثل حق مطالبه و جوب تسلیم، انتقال مالکیت بیع و ثمن و تساوی در اخذ مالکیت برای دو طرف عقد به طور کامل جزء احکام عقلی محض است که بر معاوضه و در عقد بیع مترتب می شوند. (موسوی الخمینی، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۵۳۴).

دیدگاه دوم: مخالفین حق حبس



برخی از فقهاء، در قرن دهم هجری، عصر صفویه، به عنوان ظهور مجدد اخبار گرایان بوده، از جمله مقدس اردبیلی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۷۵ شیخ یوسف بحرانی، ۱۴۱۰، ج ۱۹، ص ۱۴۵ میرزای قمی، ۱۳۱۷، ج ۱، ص ۱۶۵ میرزا محمد تفرشی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۹۸، براساس ادله خاص این گروه از فقهاء، ذات و مقتضای عقد بیع وقاعده مهم فقهی، المبیع یملک بالعقد، حق حبس را در عقود معاوضی محض مانند بیع رد نموده اند و مخالفت کرده اند و قائل به حق حبس در عقود معاوضی محض مانند بیع، نیستند. (نجفی اصفهانی، ۱۳۶۵، ج ۲۳، ص ۷۸).

براساس نظرات این دسته از فقهاء، وجوب تسلیم عوضین و انتقال مالکیت عوضین در عقد بیع است، عدم جواز امتناع و حق حبس در عقود معاوضی محض مانند بیع است، نظراین گروه از فقهاء، بعد از وقوع عقد بیع، تسلیم واجب است، حق حبس و امتناع عوضین از سوی طرفین عقد جایز نیست.

ادله این گروه از فقهاء عبارتند از:

- نص صریح برای جواز امتناع و حق حبس در عقود معاوضی مانند بیع وجود ندارد، طرفین عقد ملزم به اجرای ذات عقد بیع می باشند.

- انتقال مالکیت عوضین با انعقاد عقد بیع و عقود معاوضی دیگر مانند بیع ثابت است، براساس قاعده مشهور المبیع یملک بالعقد، براساس عقد بیع مقتضی وجوب تسلیم و تسلیم عوضین می باشد. بنابراین حق حبس جایز نبوده و برای هر یک حق تقاضا است، بطوریکه می توان مال خود را به هر وجه ممکن از متصرف بگیرد و این مقتضای مالکیت طرفین عقد بیع است.

- امتناع و حق حبس هر یک از طرفین عقد نسبت به یکدیگر نوعی ظلم و ستم است و در حکم غضب است، ظلم او نمی تواند، مجوز ظلم دیگری باشد. بنابراین این عمل موجب تصرف در مال غیر و حرام است.

- براساس بنای عقلانی حکم این است، پس از وقوع عقد بیع، بلافاصله مالکیت عوضین در بیع برای طرفین عقد حاصل می گردد و فرصتی برای اعمال حق حبس برای هر یک از طرفین عقد وجود ندارد. صاحب حدائق شیخ یوسف بحرانی و میرزائی قمی معروف به جیلانی این قول را نیکو و پسندیده دانسته اند و براساس آن، یعنی عدم جواز حق حبس برای هر یک از طرفین عقد، در عقود معاوضی نظر فقهی بیان نموده اند. (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۹، ص ۱۷۶).



۴- بیع عینه و ارتباط آن با حق حبس

بیع عینه هرگاه با بیع مبیع را به خریدار، در بیع اول به صورت نسبیته بفروشد، مجدداً با بیع همان کالاء را از خریدار نقداً بخرد، این نوع معامله از دیر زمان برای فرار از ربا در قرض ربوی یا وصول طلب از بدهکار صورت می‌گرفته. همچنین شخص نیازمند به نقدینگی برای فرار از ربا با صاحب مال معامله‌ای به این صورت انجام می‌دهد: از او به صورت نسبیته کالایی گران‌تر از قیمت نقد (مثلاً ده هزار تومان) می‌خرد؛ سپس در همان جلسه آن را به قیمت کمتر (مثلاً هفت هزار تومان) به صورت نقد به فروشنده می‌فروشد. نتیجه‌ی این معامله، دستیابی خریدار اول که از او به طالب یا صاحب عینه تعبیر می‌شود، به هفت هزار تومان نقد و دستیابی فروشنده‌ی اول به سه هزار تومان سود کالایی فروخته شده به نسیه است که در سررسید تحویل بهای کالا قابل وصول می‌باشد. از سوی دیگر طلبکار برای وصول طلب خود از فردی که توان پرداخت بدهی خویش را ندارد کالایی معین را نسیته به او می‌فروشد؛ سپس همان کالاء را به بهایی کمتر، نقد از او می‌خرد، تا بدهکار بتواند با پول دریافتی از طلبکار طلب پیشین او را بپردازد. (لنگرودی، ۱۳۹۴، ص ۹۸۲). بنابراین ارتباط بیع عینه با حق حبس، در انعقاد عقد اول، از سوی با بیع کالاء را به مشتری صورت مدت دار فروخته است، برای هیچ یک از طرفین عقد بیع، حق حبس قابل اجراء نیست، زیرا شرط مهم در اعمال حق حبس، حال بودن هریک از عوضین در زمان انعقاد بیع است، در حالی که در بیع اول، به صورت موجد است، ولی در بیع دوم، با بیع همان کالاء را که مدت دار خریداری نموده، به صورت نقد فروخته، در این صورت برای هریک از طرفین عقد، به دلیل حال بودن عوضین، حق حبس وجود دارد.

به نظر می‌رسد مهمترین دلیل بر این مساله، در بیع عینه در وقوع بیع دوم، حالت نقدی بودن عوضین و اجرای حق حبس برای هریک از طرفین عقد بیع در بیع عینه است، دلیل عقلی و اصل دفاع متقابل در اجرای تعهدات متعاقبین است.

۵- نظر مختار

اجرای حق حبس در عقود معاوضی محض مانند بیع، هریک از طرفین عقد می‌توانند، از تسلیم و تسلیم عوض خود به طرف دیگر عقد، امتناع کنند، تا اینکه طرف مقابل حاضر به تسلیم عوض خود گردد. این مساله بر اساس مبانی حق حبس از جمله: عدالت و انصاف، بنای متعاقبین و شرط ضمنی، تقابض و همبستگی بین تعهدات قراردادی و بنای عقلی است و تحقق شرایط اجرای حق حبس از جمله: انعقاد عقد بیع صحیح، واجب التسلیم بودن تعهدات، لزوم همزمانی تعهدات، حق حبس هنگام حلول اجل، اطلاق عقد بیع و ایفای تعهد یا عدم تسلیم یکی از طرفین عقد است. همچنین در زمینه



تحقق بیع عینه، شرایط خاص از جمله: مبیع عین خارجی معین باشد، کلی فی الذمه نباشد، مبیع را به بیع نسبیته بفروشد، مبیع در بیع اول ثمن را قبض نمی کند، مبیع مجدداً مبیع را نقد خریداری می کند، بیع اول و دوم بین طرفین شرط نشده است. بنابراین در بیع عینه، در بیع اول که بیع حالت نسبیته است به دلیل موجب بودن ثمن، حق حبس قابل اجراء نیست، ولی در بیع دوم، به دلیل نقد و حال بودن عوضین، حق حبس برای هریک از طرفین عقد در بیع عینه، حق حبس به دلیل عقلی و اجرای تعهدات متقابل وجود دارد.



نتیجه گیری

در ارتباط با حق حبس و اجرای آن در بیع عینه، بر اساس تحقق شرایط خاص در بیع عینه از جمله: مبیع عین معین باشد و کلی فی الذمه نباشد، با بیع مبیع را به بیع نسئیه بفروشد و مجدداً آن را به نقد خریداری کند. از سوی دیگر در تحقق شرایط اجرای حق حبس از جمله: انعقاد عقد بیع صحیح، واجب التسلیم بودن تعهدات، لزوم همزمانی تعهدات، حق حبس هنگام حلول اجل، اطلاق عقد بیع و ایفای تعهد یا عدم تسلیم یکی از طرفین عقد است. بنابراین در بیع عینه، بین بیع اول و دوم تفاوت در موجد و حال بودن آن دو وجود دارد، بر همین اساس، در بیع دوم در بیع عینه، به صورت حال و نقدی بودن عوضین است، حق حبس برای هر یک از آن دو وجود دارد و طرفین عقد می توانند از حق حبس در بیع عینه استفاده کنند.



منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور، ۱۴۱۷، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، نشر اسماعیلیان، قم، چاپ پنجم.
- ۳- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۰۷، لسان العرب، دار صادر، بیروت، چاپ دوم.
- ۴- امامی، سید حسن، ۱۳۷۶، حقوق مدنی، انتشارات اسلامیه، تهران، چاپ هفتم.
- ۵- اندرز، داوود، ۱۳۹۴، حق حبس در بیع و کنوانسیون کالاء، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چاپ سوم.
- ۶- جمال الدین، مقداد بن عبدالله سیوری، ۱۴۰۵، کنز العرفان فی فقه القرآن، انتشارات المکتبه المرتضویه، قم، چاپ پنجم.
- ۷- شهید ثانی، زین الدین بن علی بن احمد عاملی، ۱۳۹۶، الروضه البهیة فی شرح المعه الدمشقیه، انتشارات مکتبه اسماعیلیان، قم، چاپ دوم.
- ۸- شهید ثانی، زین الدین بن علی بن احمد عاملی، ۱۴۱۴، مسالک الافهام فی شرح الشرایع الاسلام محقق حلی، انتشارات مکتبه اسماعیلیان، قم، چاپ سوم.
- ۹- شیخ انصاری، مرتضی، ۱۴۲۱، مکاسب محرمة، انتشارات دارالعلم، قم، چاپ هفتم.
- ۱۰- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۶، وسایل الشیعه، انتشارات موسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، چاپ سیزدهم.
- ۱۱- شیخ طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۶، المبسوط فی فقه الامامیه، انتشارات مکتبه المرتضویه، قم، چاپ نهم.
- ۱۲- شیخ یوسف بحرانی، ۱۴۱۰، الحدایق الناضره فی الاحکام العتره الطاهره، انتشارات الاسلامی، قم، چاپ چهارم.
- ۱۳- صفایی سید حسین، ۱۳۸۵، قواعد عمومی قراردادها، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ یازدهم.



- ۱۴- طریحی، فخرالدین، ۱۴۰۸، مجمع البحرين، انتشارات الوفاء، بیروت، چاپ سوم.
- ۱۵- کاتوزیان، ناصر: ۱۳۸۵، عقود معین، انتشارات میزان، تهران، چاپ پانزدهم.
- ۱۶- گرجی، ابوالقاسم، ۱۳۷۸، مبانی حقوق اسلامی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- ۱۷- لنگرودی، محمدجعفر جعفری، ۱۳۹۲، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ سیزدهم.
- ۱۸- محقق طباطبایی سید علی، ۱۴۱۹، ریاض المسائل فی بیان تحقیق الاحکام بالدلاله، انتشارات دارالهادی، قم، چاپ سوم.
- ۱۹- موسوی الخمینی، روح الله، ۱۳۸۰، کتاب البیع، موسسه اسماعیلیان، قم، چاپ ششم.
- ۲۰- نجفی اصفهانی، شیخ محمد حسن، ۱۳۶۵، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، دارالکتب الاسلامیه، قم، چاپ هفتم.



Sale of goods and its connection with the right of arrest in jurisprudence and law

Ali Poursadegh Kordi¹

Article code: JHVMN-2404-1206

Abstract

A cash sale is a sale in which the seller sells a product on credit to an individual, then the seller buys the same product from the customer in cash, at a lower or higher price. Biya Aina is considered one of the types of Biya in jurisprudence, this type of buying and selling, in the past and among ancient nations, was to escape usury and was popular among people. On the other hand, the right of lien in pure barter contracts such as sale, each of the parties to the contract can refuse to submit and hand over their exchange to the other side of the contract, until the other party agrees to submit their exchange. According to the definition of visual sale and lien, the main question in this article is, is there a lien for each of the parties in the visual sale? In response to the mentioned question, it is necessary to examine the nature of sale in kind, its conditions and Shariah evidences, the nature of the right of arrest, the principles and conditions of its implementation, as well as the opinions of jurists in the context of the implementation of the right of arrest in jurisprudence. to be It seems that the application of the right of lien in the in-kind sale, in the first sale, which is between the seller and the customer, the seller is sold on credit and with a fixed term, there is no lien for the parties to the contract in the in-kind sale, but in the second sale, where the exchange is in the form of A cash payment is concluded between the contracting parties, for each of the parties to the contract in the sale of the goods, the lien is enforceable due to the existence of the exchange.

keywords: Cash sale, lien, seller, cash, credit.

¹ Full-time faculty member of the Law Department of Islamic Azad University, Neyriz Fars branch. (Corresponding Author)
alipoursadegh1351@gmail.com

